

اورا به علی برساند . رسول الله جسی کرد و در فردای
 لیلۃ المعراج عفت علی علیه السلام فرسناد و فرمود که
 در سدرۃ المنتهی خدا احوال ترا برسد و ترا امام
 قرار داد و نیز فرمود که موسی و عیسی هم سلام
 به تو رساندند و همه ملائک احوالت را برسدند .
 — وقتیکه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در
 لیلۃ المعراج به بیت المقدس با زگشت و نماز خواند ، در
 بن راه قافله قریش را دید که میخواهند به مکه
 بیایند در حالیکه یک شترشان گم شده بود و طرف آبی
 هم داشتند . رسول الله مقداری از آن آب را میل فرمود
 و مقداری را نیز ریخت . صبح که شد تفصیل معراج شب
 قبلش را ذکر فرمود ، ابوسفیان و ابوحیل گفتند چه
 میگوئی؟ از این جا تا بیت المقدس یکماه راه است . رسول
 الله فرمود : نشانه آنکه قافله شما یک طرف آبی
 داشتند که مقداری از آنرا میل کردم و مقداری را ریختم .
 گفتند : راست و دروغ این حرف تا رسیدن قافله معلوم
 نمیشود . اما اگر راست میگوئی بگو ببینم مسجدا لاقصی
 چند ستون و چند قنديل داشت ؟ رسول الله تأمل کرد
 و پس فرمود : مگر من برای شمردن آنها رفته بودم؟ . . .
 درین وقت خدا بتعالی برای آنکه حجت را تمام کند به
 جبرئیل دستور داد تا مسجدا لاقصی را از جلو حضرت
 دفیله دهد آنوقت حضرت ستونها و قنديلها را شمرد
 و تعدادشان را فرمود . ولی چون منظور آن ملا عیسی
 بهانه گیری بود باز هم ایمان نیاوردند . وقتی هم که
 قافله قریش آمد رفتند جلو و از آنها پرسیدند که شما در فلان شب
 چه حالی داشتید؟ گفتند که یک شترمان گم شده بود طرف آبی هم
 داشتیم صبح دیدیم آنها را ریخته است . جل الخالق که با
 اینوصف باز هم مشرکین قبول نکردند!

(آیه الله دستغیب شیوازی ، کتاب معراج ، فصل اول)

— رسول الله که در معراج از سدره کذیب است، ذاب
 احدیت صدای علی با رسول الله حرف زد، یعنی صوتی
 که خدا سبحان فرمود تقلید لپچه صدای علی بود. رسول
 الله عرض کرد: خدا با توئی که با من حرف مینویس با علی؟
 خدا فرمود: ما هسنیم، اما چون با منم قلب ترا مملو از
 محبت علی، به لعلت علی با نوسحن کفیم.

— رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: در لیلۃ
 المعراج رسیدم به بیت المعمور، دور کعبت نماز در سبب
 المعمور خواندم، و در بیت المعمور عده ای از اصحاب با من
 بودند در حالیکه عده ای با لباس فاخر و عده ای با لباسهای
 حرک و کتیف. در مسجد که رسیدیم لباس کتیف ها را به مسجد
 راه دادند، (اطهار نظر آیت اله دستنعبت: معلوم است
 نمیشود شخص کتیف در حای نمیزوآرد شود. شما که میخواهید
 با محمد (ص) به بهشت بروید لباس خوب بپوشید؟)
 در حالات ابراهیم ادهم نوشته اند که پس از مدتی
 فقر دید خیلی کتیف و حرک شده است. با لباس کهنه به حمام
 آمد. استاد حمامی دستور داد او را بیرون کردند. آمد در
 خارج حمام نشست و گریه کرد. حمامی فرستاد عقش که بازش
 گردانند. هر چه کردند بیا مد. گفتند: چرا شما آبی و گریهات
 برای چیست؟ گفت گریه ام برای اینست که صدای فامت
 اسطور کتیف حطور پشت سر محمد (ص) وارد بهشت شوم؟

(آیه اله دستنعبت شراری، کتاب
 معراج، فصل اول)

— محمد بن مسلم گوید که حضرت امام صادق علیه
 السلام فرمود: مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله
 آمد و عرض کرد ای رسول خدا، آیا من ثواب یک سووم صلواتم
 را برای شما قرار دهم؟ یا بلکه نبی از صلواتم را
 مخصوص شما گردانم؟ یا بلکه تمامی آنرا از آن شما

گردانم ؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود : اگر
نمایی آسرا از ما کنی همه خرج و مؤونه دسا و آحرت تو
کفایت سود .

و ابی القداح از حضرت امام صادق علیه السلام
روایت کند که حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله
فرمود : مرا بصورت فدح تترسوار دریا ورید ، زیرا غیر
سوار فدح خود را برکند و هر زمان خواست بنوشد ، اما
نما مرا در اول دعا و وسط دعا و آخر دعا فراردهند .
و حسن بن ابی العلاء ، و ابی بصیر از حضرت امام
صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود : هرکس بیک
صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله فرستد خداوند
هزار بار در هزار صفا از فرشته ها بر او صلوات فرستد ، و
احدی از مخلوقات خدا نماند جز اینکه آنها نیز برای
بنده صلوات فرستند .

و اسحق بن فروخ گوید : حضرت امام صادق علیه
السلام فرمود : ای اسحاق بن فروخ ، بدرستی که هر که
ده بار بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد خداوند و
فرشتگان صد بار بر او صلوات فرستند ، و هر که صد بار بر
محمد و آل محمد صلوات فرستد خداوند و فرشتگان صد بار
بر او صلوات فرستند .

و ابی القداح از حضرت امام صادق علیه السلام روایت
کند که فرمود : بدرم (امام سجاد) شنید که مردی سه
برده کعبه در آویخته و میگوید " اللهم صل علی محمد " .
بدرم فرمود : ای بنده خدا ، حال که میگوئی بریده اس
کن ، و در باره حق ما اولاد پیغمبر به ما قسم ممانا ، و
بگو : " اللهم صل علی محمد و اهل بینه " .

و نیز ابی القداح از حضرت امام صادق روایت کند که
رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود : هر که بر من صلوات

فرسند خدا و فرسنگان در عوض بر او صلوات فرسند . و حالا هر کس خود داند : خواهد کم صلوات فرسند و خواهد بیش !
و معاوية بن عمار از حضرت امام صادق روايت کيد که فرمود : هر که صديار بر محمد وآل او صلوات فرسند صد حبار او بر آورده شود ، که سي با آران ار ديبا باند و بائي ار آحرت .

(اصول کافی ، کتاب الدعاء ،
باب الصلوة علي
السي و اهل بيته)

— محمد بن الحسن و علي بن محمد ، از سهل بن زياد ،
و از محمد بن الوليد شاب الصيرفي ، و از ايمان بن
عثمان ، و از ابي عبد الله امام صادق عليه السلام نقل
ميكند که چون وفات رسول خدا صلي الله عليه وآله در رسيد
عباس بن عبدالمطلب و امير المؤمنين عليه السلام را احصار
فرمود . و فرمود : اي علي ! اي برادر محمد ، قبول
داري که وعده هاي محمد را عمل کنی و قرض را بر داري و
ميراث را بگيري ؟ علي عرض کرد آري ، يدر و ما درم به
قربانت ! سو دوزبانش با من .

آنگاه بيغمير انگشتر خوش را من داد و بانگ زد :
اي بلال ، آن كلاه خود و زره و سرق و پيراهن و ذوالعفار
و عمامه و حمامه برد و كمر بند و عصا را ساور . علي عليه
السلام فرمايد : من ناآن ساعت آن كمر بند را نديده
بودم . . . و معلوم شد كه از كمر بندهاي بهستي است . بيغمير
فرمود : اي علي ، اين را جبرئيل براي من آورد . سپس دو
جفت نعلين عربي طلبيد كه يكي وصله داشت و ديگري بي
وصله بود . . . سپس فرمود : اي بلال ، دو قاطر من شهباء
و دلدل ، و دو شتر من غصاء و قصوي ، و دو اسب من جناح و

حزوم را ساور ... و همحسب الاغ را که نامش تعمیر است . و فرمود : با علی ، تا من زنده ام اسبها را از من تحویل نگیر .

امیرالمؤمنین علیه السلام گوید : نخستین چهاربائی که از من عده مرد ، همان الاغ بود که تعمیر نام داشت . ساعتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله درگذشت ، آن خر نیز افسارش را یاره کرد و ناحت ما در محله قبا بر سر جاه بنی خطمه رسید . خود را در آن افکند و همان جاه گورش گشت . و روایت شده که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : این الاغ ما پیغمبر صلی الله علیه و آله بسخن درآمد و گفت : پدر و مادرم قربانت پدرم از پدرش و او ازجد بزرگوارش ، و او از پدرش نقل کرد که او با جناب نوح در کستی بوده و سوح برخاسته و دست به کفل او کشیده و گفته : از پست این الاغ ، الاغی آید که سید پیغمبران بر آن سوار شود ، خدا را شکر که مرا همان الاغ قرار داد !

(اصول کافی کتاب الحجه ، باب
ماعدالامه من رسول
الله و مستأمنه)

— علی بن ابراهیم از پدرش ، و او از ابن ابی عمیر ، و او از هشام بن الحکم روایت کرده است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : در آن هنگام که پیغمبر صلی الله علیه و آله در مسجد الحرام بود و لباسی نو در برداشت ، مشرکین شکمبه شتری را بر او افکندند و لباسش را کشف کردند . پیغمبر از این عمل بقیسندری ناراحت شد که خدای داند ! آنگاه نزد ابوطالب آمده

ما حرا را کف . ابوطالب حمزه را طلبید و خود را هم مسر
بر گرفت و به حمزه گفت بکنمه را بردار . سپس همسراه
سعمیر به سوی آن قوم رفت تا سرد فرست رسید . آنجا
کرد کعبه بودند . به حمزه گفت : بکنمه را بر سبیل
همه مال ، و او حسن کرد و نامه نقر آحرسان هم مالید .
(اصول کافی ، کتاب الحجه ، باب

مولد النبي - و کتاب الايمان
والکفر ، باب العسیر)

— صالح بن عقبه از عمرو بن شمر ، و او از حابیر ،
و او از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرد که پیغمبر
صلی الله علیه وآله به فاطمه علیها السلام فرمود : بر
خیز و آن سینه را بیاور . او برخاست و سینه ای را آورد
که در آن نان روغن مالیده و گوشت یخنه بود . پیغمبر
صلی الله علیه وآله با علی و فاطمه و حسن و حسین سیزده
روز تمام از آن خوردند . سپس ام ایمن حسین علیه السلام
را دید که چیزی از آن نان و گوشت با خود دارد . با او
گفت : این از کجاست ؟ فرمود چند روز است که ما این
غذا را میخوریم . ام ایمن نزد فاطمه آمد و گفت : ای
فاطمه ، هر چه ام ایمن دارد متعلق به تو و فرزندان
تو است ، اما تو هر چه داری چیزی از آن به ام ایمن
نمیرسد . فاطمه علیها السلام قدری از آن را برای او
آورد و ام ایمن از آن بخورد و غذای آن سینه تمام شد .
پیغمبر صلی الله علیه وآله به او فرمود : اگر بیه
ام ایمن نمیخوراندی تا روز قیامت تو و ذریه تو از
آن میخوردید . آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود :
آن سینه اکنون نزد ما است ، و قائم ما عجل اله تعالی
فرجه در زمان ظهور خود آنرا بیرون آورد .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ،
باب مولد الزهراء فاطمه)

— در حدیث معسر مسئول است که حضرت رسول اکرم (ص) بینی فرمود از خوردن سم خورده موی، و از حسی خوردن در حال حیاض، و بینی فرمود از آنکه کسی بول کند و در حیض محادی آفتاب با ماه باشد، و بینی فرمود از آنکه کسی با کفایت علس راه برود، و بینی فرمود از حیض در روع سنن و فرمود که هر که حیض کند حیض عالی او را نکلیت میکند که بر حوگره برسد، و بینی فرمود از دسام دادن به خروس، و بینی فرمود از سخن گفتن در وقت جماع، و بینی فرمود از حمام کردن در روز چهارشنبه و در روز جمعه، و بینی فرمود از کشتن مارهایی که در خانه ها میباشند، و فرمود که دتیبوت است کسی که زتی زنا کند و او داند و تغافل کند، و نفرین فرمود به کسی که جادوگری کند، و کسی که دتیبوت باشد، و کسی که در مقعد زن به حرام جماع کند، و کسی که با حیوانی جماع کند، و کسی که با محرمان خود مانند مادر و خواهر جماع کند و فرمود که هر که اصرار ورزد در وطنی در مقعد پیران، نمبرد تا آنکه مبتلا شود به آنکه مردم را نکلیت کند که با او همین عمل قبیح را بکند.

— حضرت رسول اکرم (ص) فرمود که بهترین تحفه ای که برای مرد روزه دار آورند آن است که ریشش را روغن بمالند.

— و فرمود که از کوزه هایی که در مصر میسازند آب مخورید که غیرت را میبرد.

— و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه موی سر را در جلو گره میزدند.

— و فرمود که به زنان حامله کندیخورانید تا اگر دختری آوردند سرینش بزرگ گردد و نزد شوهر عزیز شود.

— و فرمود که هر که در روز سه سه و سحر سه
باخی بکند از درد دندان و درد جسم عافیت یابد .

— و فرمود که کشیدن واحسی در روز چهارشنبه و
جمعه موجب سستی است . و همچنین است در حالت حسی سا
رن حمام کردن . و نیز فرمود که هر کسی به حمام رود و
واحسی بکشد و بعد از آن سرنا بای خود را حبا بمالد ، تا
سوره کشیدن سعدی از دیوانگی و حوره و بیسی و آکله
درمان نماید

— و فرمود از آفتاب احتراز کند که رنگ را
تغیر میدهد و بدن را بدبو میکند و حمامه را کشته میکند
و باعث انواع دردها میشود .

— و فرمود که چون مرابه آسمان برسد از عرق
من فطره ای چند بر زمین ریخت و گل سرخ از آن روئید .
پس آن گل به دریا افتاد . ماهی خواست که آنرا بردارد ،
و عموص نیز که کرمی است در میان آب و سرپهنی دارد و دم
باریک و درازی دارد خواست آنرا بردارد . میان ایشان
نزاع شد . پس حق تعالی ملکی را فرستاد که در میان
ایشان محاکمه کرد ، و نصف را به ماهی داد و نصف را به
عموص داد . باین سبب شد که از پنج برگ سزی که در
زیر گل سرخ میباشد دو تا به شکل ماهی است و دو تا به
شکل دم عموص است .

— و فرمود که پنج کسی هستند که از ایشان به همه
حال اجتناب باید کرد : کسی که خوره داشته باشد ،
و بیس ، و دیوانه ، و ولد الزنا ، و عرب یاد به نشین .

(حلیه المتقین ، باب ششم ، فصل با زدهم)

— از حضرت امام جعفر صادق منقول است که شخصی به
خدمت حضرت رسول (ص) آمد و گفت برادرم از درد شکم آزار
دارد . فرمود که بگواندکی عسل با آب گرم بخورد . روز دیگر آمد
و گفت خورد و نفع نکرد . فرمود که باز عسل بخورد و هفت مرتبه
سوره حمد نیز بخواند . چون آن شخص رفت حضرت به اطرافیان
فرمود برادرش منافق است و خوردن عسل با الحمد هم برایش مفید نمیشود .

— رسول اکرم فرمود که در نهرها بسایک داخل شوید که در نهرها ساکنان هستند از ملائکه .

— و فرمود که تا وقت مردن ترک نمیکم برالاغ حل دار سوار شدن را .

— و فرمود که حفنعالی شش خطبت را برای مسن نخواستند اسب و من نیز آنرا نخواستیم برای امامان و تبعیان ایشان ، و آن ها است : بارش بازی کردن در نماز ، و فحش گفتن در روز روزه و بعد از ابرال منی به مسجد رفتن ، و منت گذاشتن بعد از تصدیق ، و در قبرستان خندیدن ، و برخانه های مردم نظر کردن .

— و فرمود که بهترین رنگها در جامه سفید است ، و بعد از آن زرد ، و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی ، و مکروه است سرخ تیره ، و پوشیدن جامه سیاه گراحت شدید دارد مگر در عمامه و نعلین و عبا .

— و فرمود که سه چیز است که هر که آن کند بیم آن است که دیوانه شود : بول کردن در میان قبرها ، و با یکپاکفش راه رفتن ، و درخانه تنها خوابیدن .

— و نهی فرمود از شفا طلبیدن از آبهای گرم که در کوهها میباشد و بوی گوگرد میدهد ، و فرمود که گرمی آنها از جهنم است . و بز فرمود که زکام لشکری است از لشکرهاى خدا که میفرستد تا درد را برطرف کنند ، پس زنها زکام را علاج نکنید و اگر سخت شد پنبه ای را به روغن بنفشه آلوده کنید و در وقت خوابیدن بر مقعد خود گذارید .

— و فرمود که چون مگسی در ظرف طعام بیفتد و یک بال او در آن فرو رود ، بال دیگرش را هم فرو برید ، چرا که در یک بال مگس زهر و در بال دیگرش شفا است .

— و فرمود که اگر مردم بدانند در برگ سناچه منفعتها هست هر آینه قیمت هر مثقال آن دو مثقال طلا

سود ، و سدرسیکه برک سا امان میبخشد از بچی و بوسی
و خوره و دیوانگی و فلج و لفوه و عراقی نکم و فی و نسو
ترکیدن دست و پا و درد جگر و حرارت سر و برقان و نیشای
بدید و درد سانه ، سترطیکه بعد از خوردن آن سرهمسز
کسید از حرما و ماحی و سرکه ، و عدا هم آن اماج باسد
با روغن کسجد ... و سز فرمود نیکو کلی است سررنگوس
که در ریز عری سررید و آنرا باعث شای حم است .

— و در حدیث موبی است که حضرت رسول (ص)
تا بسبان که از خانه سرورن میآمدند برای خوابیدن ،
در روز سحر سینه سرورن میآمدند ، و خون هوا سررمنند و
داخل خانه میزدند برای خوابیدن ، در روز جمعه داخل
میشدند .

— از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله
مفـول است که به عثمان بن مظعون فرمود:
من روزی میگویم و شما از میگویم ، و با زنان
خودم هم سبار محامبت میگویم . پس هر
که دین مرا خواهد باید به سنت من عمل کند .

(بحار الانوار ، جلد ششم ، و حلیه
المبفی : باب اول ، فصل چهارم و
دوازدهم ؛ باب سوم ، فصول اول
و هشتم ؛ باب چهارم ، فصل اول ،
باب پنجم ؛ فصول سوم و پنجم ؛ باب
ششم ، فصول دهم و دوازدهم ؛ باب
هفتم ، فصول دهم و دوازدهم ؛ باب
هشتم ، فصل ششم ، باب دوازدهم ،
فصول هشتم و یازدهم ؛ باب نهم)

— علی بن ابراهیم از پدرش ، و او از نوفلی ،

و او از سکونی ، و او از حضرت ابی عبدالله امام صادق علیه السلام نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : بیشترین چیزی که امت مرا بعد دوزخ در آورد دو سوراخ است : نکم و فرج .

(اصول کافی ، کتاب الايمان)

والکفر ، باب العفص

— در کتاب مسطاب زاد المعاد بعد حلیل علی بن طاوس رحمة الله علیه روایت کرده است که روری جمعی از اصحاب نشستند بودند ، حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله داخل شد و برایمان سلام فرمود . پس حضرت فرمود که میخواهد تعلیم نمازم شمارا از دوائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج به دوائی اطباء نبوده باشم ؟ پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سلمان و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست ؟ حضرت رسول صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران را بگیر و سوره فاتحة الكتاب و آیه الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل يا ايها الکافرون هر یک را هفتاد بار بخوانی و به روایت دیگر سوره انا انزلناه را هفتاد مرتبه بخوانی ، و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله مگوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد مفرستی ، و هفت روز در بامداد و پسین از آن آب میاشامی ، به حق آن خداوندی که مرا به راستی بر خلق مبعوث گردانیده است سوکنند یا دمکم که جبرئیل گفت که حقتعالی بردارد از کسی که این آب را میاشامد هر دردی را که در بدنش باشد ، و عاقبت بخندد او را ، و بیرون کند دردها را از بدن او و

اسخوابهای او ، و اگر درلوح بقدری دردی بسرای او
مقدر شده باشد آنرا محو نماید (۱) و به حق پروردگاری
که مرا بحق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند
خواهد آب نسیان را بآن نیت بشامد او را فرزند روزی
گردد ، و اگر عقیم باشد و از این آب با نیت بشامد
فرزند آزا و بوحود آید ، و اگر مرد ورن بسر خواهد
با دختر ، از آن آب بشامد معصودا بسان عمل آید .
و اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بشامد
صداع او ساکن گردد بقدرت الهی ، و اگر درد چشم
داشته باشد و در چشمهای خود قطره ای از این آب بکشد
و بشامد به اذن خدایتعالی شفا یابد ، و آشامیدن
از آن آب بس دندانها را محکم گرداند . و دهسان را
خوشبو کند ، و لعاب بس دندانها را کم کند ، و بلفم را
کم کند ، و تخمه و امتلا بسب خوردن طعام و آشامیدن
آب بهم نرساند ، و از بادهای قولنج و غیر آن متآذی
نگردد ، و درد پشت و شکم بهم نرساند ، و از زکام آزار
نکشد ، و درد دندان بهم نرساند ، و درد معده و کرم
معده را زایل گرداند ، و محتاج به حجامت نگردد ، و از
مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی
و رعاف و قی نجات یابد ، و کور و لال و زمینگیر نشود ،
و آب سیاه در دیده اش نزول نکند ، و دردی که موجب
افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد ،
و از وسوسه های جنیان و شیاطین در امان بماند .
و جبرئیل به رسول صلی الله علیه و آله گفت :
علاوه بر آنچه گفتم ، به حق خداوندی که ترابه راستی
فرستاده ، هر که از این آب بشامد و بجمیع دردهائی
که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها
گردد ، و حقتعالی دلش را مملو گرداند از نور و روشنی ،
والله اعلم خود را در دل او وارد سازد ، و حکمت بر زبان او جاری

گرداند، و برکند دل او را از فهم و سبائی، و به او عطا
 کند ارکرامتها آنجه به احدی از عالمان عطا نکرده باشد .
 و غش و خیانت و غیب و حسد و بغض و کسرو و حل و حرص و غصب
 را از دل او بردارد، و از عداوت و دشمنی مردم و بدگویی
 ایسان نجات یابد، و موحب شفاء جمع امراض او گردد .
 و فقیر به حظ سخ شهنید دیدم که از حضرت امام جعفر
 صادق علیه السلام روایت کرده بود از دیگر خواص این آب ،
 و از آن جمله اینکه اگر در زبدان باشد و از آن بیانا صد ،
 از حسن نجات یابد .

(بمعانی الحیان ، فعل از را د
 المعاد . فعل بیارده هم :
 عسودات منسأئوره)

" — از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول
 است که حضرت رسالت پناه صلی اله علیه وآله حضرت
 امیر المؤمنین علیه السلام را بتزد خود طلبیدند و بدست
 مبارک عمایه بر سرشان پیچیدند ، و یک سر عمایه را از
 پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت
 کوتاه تر از عقب سر آویختند . پس فرمودند که برو ، رفت .
 پس فرمودند که بیا ، آمد . پس فرمودند : والله که
 از این بهتر نمیشود ، و چنین است تا جهای ملائکه " !

(حلیة المتقین ، باب
 اول ، فصل هفتم)

— بیشتر اهل بهشت ابلهانند .
 — به بهشت در آمدن و اکثر ساکنان آنرا از ابلهان
 یافتند .
 — خداوند بهشت را سفید آفریده ، و سفیدی از همه
 رنگها پیش خدا محبوبتر است .
 — از سرخی بپرهیزید ، زیرا سرخی از همه زینتها
 بنزد شیطان محبوبتر است .

- سلطان رنگ سرج را دوست دارد . پس از سرجی و
- هر لباسی که باعث انگیزه‌های است برهمیزد .
- برای سطله‌های خود جای مناسب انتخاب کند ،
- و از سنا همان برهمیزد که سناهی رنگ رسی است .
- موی سید را رنگ کند و چون یهودان مسوید .
- حق خدا بر هر مسلمانی این است که هر هفت روز
- بکار سربوی خود را مسوید .
- مویز خورید که صفرا را غلیظ کند و بلغم را سرد
- و عصب را عوی کند و کند ذهبی را سرد و خلق را اسکو کند
- و جان را ساک دارد و غم را سرد .
- ریسون خورید و با آن روغن کاری کنید که از
- درخت مبارک است .
- چه سگونا خورشی است سرکه !
- از سول برهمیزد ، زیرا اینتر عذاب قدر از آن
- است .
- جن کسی را که اسب اصل در خانه خود دارد مخطا نمیکند.
- حضرت رسول اکرم (ص) فرمود : " وقتی یکی
- از شما با همسر یا کنیز خویشی مقاربت کند به فـرج او
- نگردد که مایه گوری است . "
- و نیز فرمود : " لباسهای خود را تمیز کنید و موهای
- خود را کم کنید و مسواک بزنید ، زیرا یهودان جنبان
- نکردند و زنانشان زناکار شدند . "
- رسول اکرم (ص) فرماید : روزهای دوشنبه
- و پنجشنبه درهای آسمان گشوده میشود ، و اعمال را بر
- خداوند عرضه میدارند ، و در آنروزها گناهان هرکس را
- که برای خدا شریک قائل نباشد ببخشند مگر آنکس که با
- برادر خود دشمنی داشته باشد ، و روز جمعه اعمال را
- از نظر پدران و مادران (مرحوم) میگذرانند تا از
- کارهای نیک (فرزندان خود) خوشحال شوند و چهره‌هایشان

سفید و روشن گردد . پس از خدا بفرستد و مردگان خود را از دست مگسید .

— ساختمان بهشت حسی از بقره وحسی از طلا است ، و گل آن منگ ادغراست و سگر بره اش لؤلؤ و باقوب است ، و حاکی رعفران است .

— حضرت سل سزد من آمد و گفتم : امت خودت را بنارت بده که هرکس بمرد و چیزی را با خدا شریک بسازد به بهشت میرود . پرسیدم : ای جبرئیل ، واگر دزدی کرده باشد؟ واگر زنا کرده باشد ؟ گفتم : آری ! پرسیدم : واگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد ؟ گفتم : آری ! پرسیدم : واگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد ؟ گفتم : آری ! پرسیدم : واگر هم شراب خورده باشد

— از حضرت رسول (ص) نقل است که : خداوند جن را بر سه قسم آفریده : یک قسم مارها و عقربها و حشراتند ، و قسم دیگر مانند باد در هوا روانند ، و قسم دیگر حساب و عقاب دارند . و آدمیان را نیز بر سه قسم آفریده : یک قسم مانند چهارپایانند و قسم دیگر بدنهایشان مانند جانهای شیاطین است ، و قسم دیگر در آن روز که سایه‌های جز سایه خدا نیست در سایه او — عمرهای امت من میان شصت و هفتاد سال است .

— مساکی کردن فصاحت مرد را افزون میکند .

— بدترین جای شهرها بازارها است .

— شیاطین صبحگاهان با بیرقهای خود به بازارها

میروند و با هرکه زودتر به بازار رود داخل میشوند و با هرکه دیرتر بیرون آیند بیرون می‌آیند .

— هرکه زما مدار ده تن شود عقل چهل تن دارد ، و

هرکه زما مدار چهل تن شود عقل چهارصدتن دارد .

— بهترین رقم برای دوستان چهارتن ، و برای

بیترا و ان حینا رجدی ، و برای سنا همان حینا رهرا رسی
است . (نهج البلاغه ، مجموعہ سبحان
حضرت محمد ، گردآوری شده
از کتاب رعبه و صحاح سنده)

— حضرت رسول اکرم (ص) فرمود : " سدکس هسندکد
نما زشان ازگوشها بیان بالانریمرود : سده فراری ناسار
گردد ، وزنی که شب بخوابد و شوهرش برا و خشمگین باشد ،
و اما م قومی که آن قوم از او متنفر باشند . " ... و سیر
فرمود " سه کس هستند که دعا بیان پذیرفته نمیشود و کار
نیکشان را به آسمان نمیبرد : بنده گریبان تا وقتیکه
پیش صاحب خود بازگردد ، وزنی که شوهرش از او ناراضی
باشد تا وی را خشنود کند ، و مسن تا هنگا میکه بیهوش آید ."
... و نیز فرمود : " دو کس هستند که نما زشان از سرشان
بالانر نمیروند : بنده ای که از آقا یا ن خود گریخته باشد تا
هنگا میکه بازگردد ، وزنی که شوهر خود را نافرمانی کرده
باشد ، تا بازگردد ."
(همان کتاب)

— علی علیه السلام فرماید : عثمان بن مظعون خدمت
پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید . عرض کرد : یا رسول الله
خیال کرده ام سربه بیا با نها غذا رمور هیا نبت پیش گیرم
فرمود : از این کار بگذر ، گفت : با ز خیال کرده ام خوردن گوشت
را بر خود حرام کنم ، فرمود : از این هم بگذر . گفت : با ز خیال
کرده ام تخمهای خود مرا ببرم و خواه شوم ، فرمود : عثمان
اگر چنین کنی از ما نیستی . گفت : پس اجازه بده " خولسه "
همسرم را بر خود حرام کنم ، فرمود : عثمان ، از این کار هم بگذر .
(نکاح المستدرک ، باب سی و هفتم)

احادیث مربوط به ائمه

— یکی از اصحاب ، از احمد بن محمد ، و او از اسی
یحیی الواسطی ، و او از یکی دیگر از اصحاب نقل
کرده است که امام اسی عبدالله جعفر صادق علیه السلام
فرمود : بدرستی که خدا ما ائمه را از علیین و ارواح
ما را از قسمت بالای علیین آفرید و ارواح شیعیان ما
را از قسمت وسطای علیین و پیکرشان را از قسمت پائین
آن آفرید . و خدا آفرینش ما ائمه را از گلی درخزانه
و پوشیده از زیر عرش صورتگری کرد و نور عظمت خویش
خویش را در آن جای داد ، و ارواح شیعیان ما را از گل ما
آفرید و بدنشان را از گلی درخزانه و پوشیده پائین تر
از گل ما ، از این رو ما و آنها آدمی شدیم ، و همه مردم
دیگر خرمگسائی شدند (!) که سزاوار دوزخند و سه
سوی جهنم میروند .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ، باب
خلق ابدان الاثمه و
ارواحهم و قلوبهم)

— امام جعفر صادق علیه السلام فرمود : مردم
دنیا بر سه دسته اند : دانشمندان ، طالبان دانش ، و
خاشاکهای روی آب . دانشمندان ما ائمه هستیم ،
دانشجویان شیعیان ما ، و مابقی مردم خاشاک روی آب .
(اصول کافی ، کتاب فضل و
العلم ، باب اصناف الناس)

— مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل میکند که خداوند ارواح را دوهزار سال قبل از اجساد آفرید ... سپس ولایت اهل بیت را بر آسمان و زمین عرضه کرد و فرمود کیست که آنرا برای خود ادعا کند در عوض صاحبانش؟ پس آسمانها و زمین و کوهها امتناع کردند از حمل این امانت و اظهار ترس و ناراحتی از این ادعا نمودند . سپس آدم و حوا درینقت قصد قبول این ادعا کردند ، که ناگهان نظرشان به مقام ائمه چهارده معصوم افتاد . سؤال کردند این مقام از کیست؟ جواب از مقام جلالت الهی رسید که از محمد ، علی ، فاطمه ، حسن و ائمه تا حضرت مهدی است ، و اگر اینها نبودند شما را خلق نمیکردم . میادا منزلت آنان را تمنای نمائید؟ لیکن شیطان وسوسه کرد و تمنای منزلت ولایت مطلقه کلیه را نمودند ... سپس طلب توبه کردند. خدا فرمود بیمان انوار مقدس اولیاء متوسل شوید . پس از توسل به چهارده معصوم خدا توبه آنها را قبول فرمود

— در بسیاری از احادیث معتبر آمده است که

ولایت اهل بیت بر آنها عرضه شد ، هر آب که قبول ولایت ائمه معصومین را کرد شیرین و خوشگوار شد ، و هر آب که قبول ولایت آنها را نکرد تلخ و شور . هر میوه ای که قبول ولایت نمود شیرین و گوارا گردید و هر میوه ای سربلجی نمود بیفائده گردید . و هر گل و گیاهی که قبول ولایت کرد معطر و زیبا شد و اگر قبول ولایت ننمود بصورت خس و خار و فاقد عطر و خاصیت گردید . و ایضا هر سنگی که ولایتان را بپذیرد گرفت عقیق و فیروزه و سنگ حمرالاسود (۱) شد .

۱- در حدیث مسخر شده که قبول ولایت اهل بیت حدیثی است که همه آنها را بوسه ها و دریاها و دریاچه های دنیا و غیره و همه کوههای دنیا و قسمت اعظم میوه ها و گلها و گیاههای دنیا را بسمه حق را قبول کرده اند برای آنکه از شعله تند آسبگاف کنند!

— و سر در احادیث آمده است که حدای عروجه
در وحدانیت خود بسیار بزد . سس محمد و علی وفاطمه
را خلق کرد و از سبائی سرور آمد . سس مکتب کرد
هرار دهر ، و بعداً جمیع کائنات را خلق کرد .
: آناله بروحردی ، حواهرالولایت)
س علی بن محمد بن عبدالله بن اسحاق العلوی ،
و او از محمد بن ربیع الرزازی ، و او از محمد بن
سلمان دلمی ، و او از علی بن ابی حمزه ، و او از ابی
بصر روایت کرده است که : همراه امام جعفر صادق
علیه السلام حج گزاردم در همان زمانی که فرزندش موسی
(امام موسی کاظم ح) متولد میبند . آن حضرت سه
اصحاب خود غذای بسیار و خوب میداد . ما مشغول غذا
خوردن بودیم که خبر دادند فرزند آن حضرت از همسرش
حمیده متولد شده است . حضرت صادق علیه السلام
برخواست و با فرستاده رفت . چون برگشت عرض کردم :
قربانت ، حمیده نسبت به آن مولود به شما چه خبری
داد ؟ فرمود که گفتم چون مولود از شکمش فرود آمد
دستها را بر زمین نهاد و سر به آسمان بلند کرد ، و این
ناله رسول خدا صلی الله علیه وآله و ناله وصی بعد
از اوست . سر در توضیح این گفتم فرمود : در آن شی
که نطفه حدم رسالت علی السلام بسته شد ، شخصی
حامی نرد بدرش (حضرت حسن) آورد که در آن شیرینی
بود رقیق تر از آب و نرم تر از گره و شیرین تر از عمل
و حکتر از برف و سفید تر از شر ، و به او آشنا مید
و سس دستور مفارقت داد . او برخاست و بردیگی کرد و
نطفه حدم بسته شد . و همچنین در شی که نطفه حدم
بسته شد ، شخصی نرد حدم آمد و همان شیرت را به حدم
آشنا ماسد ، چنانکه به بدر حدم آشنا مانده بود ، و به

وی دستور مفاربت داد چنانکه به او دستور داده بود .
 و خدم سرحاست و بردگی کرد و بطفه بدرم بسنه شد . و چون
 شی که بطفه می بسنه شد فرارسید ، شخصی سرد بدرم
 آمد و نرس را با او آسامانید و دستور مفاربت داد ، بدرم
 سرحاست و بردگی کرد و بطفه می بسنه شد . و چون شخصی
 که بطفه سرد بسنه شد فرارسید ، شخصی سرد می آمد و
 با می همان رفتار را کرد . پس می بردگی کرد و بطفه
 سرد همین مولود بسنه شد . و بخدا که او را از می
 صاحب نما است .

و همانا که بطفه امام از آن بوسانه ای است که
 بنو خمر دادم . و چون این بطفه چهار ماه در رهبران
 باشد روح در آن ایحاد شود ، و خدای تبارک و تعالی
 فرشته ای را که با من حیوان است برانگیزد تا بر سر او
 راست آن فرمان اما من را بسویسد .

و چون از شکم مادرش فرود آمد دستهایش را بر
 زمین گذارد تا هر علمی را که خدا از آسمان به زمین
 فرستد دریافت کند ، و سپس سر به آسمان بردارد ، زیرا
 که ندادهنده ای از عرش از افق اعلی و ارحاست برودگار
 او را به نام خود و نام پدرش صدارید و گویند : ای فلان
 ثابت باش تا بر حاسمی . نورگزیده خلق می و محل را بر
 و صدوق علم و امین وحی و خلفه روی زمین می هستی ،
 به عزت و حلالم که هر که با خود نمیی کند او را به عذاب
 سخت خودم بسوزانم ، ولو آنکه در دنیا هم او را مسمول
 رحمت واسعة خودم کرده باشم (!)

و چون آواز منادی پایان باید ، امام دست بر
 زمین و سر به آسمان ، جوابش دهد که " خدا و فرشتگان و
 اهل علم گواهی دهند که شایسته بررسی حر او نیست " .
 آنگاه خداوند علم اول و علم آخر را وعطا کند ، و با بسنه
 ملاقات روح در شب قدر گردد ، و روح حزی است که از

حسرتش بزرگتر است .

وحس بن راشد گوید که شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود : زمانی که خدای تبارک و تعالی بیخواهد امام را خلق کند به فرشتهای دستور دهد که شربتی از آب ریز عریس بگیرند به پدر امام بیابا مانند ، پس آفرینش امام از آن شربت است ، آنگاه چهل ساعه روز در شکم مادر است و صدا نمیشنود ، و بعد از آن در شکم مادرش مینسود ، و خون منولد شود همان فرشته امامت او را در میان دو جسم مینویسد ، و خون امام قبلی در گذرد برای او مزاره‌ای از نور افرایشه شود ، و خون به امر امامت قیام کند خدا در هر شهری برای این مزاره‌ای سازد که از بالای آن اعمال بندگان را بنگرد .

و اسحق بن جعفر گوید : شنیدم پدرم حضرت امام صادق علیه السلام میفرمود : چون ماه نهم سال داری برای مادر امام ، فرارسد ، در خانه آواز بلندی به گوشش رسد ، و در شب زائیدنش نوری ظاهر شود در خانه که جز او و پدرش آراستینند ، و چون او را بزاید نشسته باشد ، و حیارزانو از شکم مادر بیرون آید ، و بیسی از اینکه روی زمین قرار گیرد بجرخد تا قبله بهر طرف باشد روی بدان کند ، سپس سه بار عطر کند و انگشت بر سر بینی گذارد و به حمد خدا اشاره کند ، و خون نولد شود ناف بریده و ختنه شده باشد ، و دندانهای ریا عیش از بالا و پائین و دودندان نیش و دودندان ضاحکه اش بر آمده باشد ، و در مقابلش نوری مانند شمش طلا بدرخشد ، و تا یکشیا نروز از دو دستش نوری طلائی ساطع باشد .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ،

باب موالید الاثمیه)

— و علی بن محمد از یکی از اصحاب ، و او از ابن

ابی عمیر ، واوار حریر ، واواز زراره ، واوار امام
 باقر ابی جعفر علیه السلام نقل کرد که فرمود : امام
 را ده علامت خاص است بدینقرار : ۱- تا کوزه و خسته
 نده منولد شود . ۲- چون بدینآید فوراً کف دست بر
 رمی پیاده سیادسی را ادا کند . ۳- در خواب محالیم
 بنود . ۴- جسمش بخواند ولی دلتش بخواب نرسد .
 ۵- دهس دره بکند . ۶- از سب سر سبید حیا کند
 اریس رو سبید . ۷- مدفوعش معطر باشد و بوی مسک
 دهد . ۸- چون قضای حاجت کند زمی موظف باشد کند
 مدفوع او را در خود فرو برد . ۹- چون زره رسول خدا
 صلی الله علیه وآله را بپوشد زره به قامتش درست
 باشد ، اما اگر مرد دیگری این زره را بپوشد جدکوناه
 قد باشد وجه دراز قد ، زره یکوجبا از او بلبندرتآید .
 ۱۰- تا زمان حیاتش محدث باشد یعنی فرشته باو خبر
 دهد .

— محمد بن یحیی از محمد بن احمد ، واوازمحمد
 بن الحسین ، واوازابی سعید الغصفوری ، واوازمعمر
 بن ثابت ، واوازابی الجارود واوازامام ابی جعفر
 علیه السلام نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه
 وآله فرمود : من وعلی دوازده تن از فرزندانم ، سید
 وقفل زمین هستیم ، ما میخ های زمین هستیم و کوههای
 آن هستیم ، و خدا به خاطر وجود ما زمین را میخ کوبیده
 تا مردمش را فرو نبرد . و چون دوازدهمین فرزند من
 از دنیا برود ، زمین اهل خود را فروبرد ، و به آنها
 مهلت داده نشود .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ، باب
 باب ما جاء فی الاثنی عشر
 والنسب علیهم)

— احمد بن مهران از محمد بن علی ، و او را محمد بن بحی ، و او را احمد بن محمد ، و او را محمد بن سان ، و او از مفضل بن عمر نقل کند که حضرت امام صادق علیه السلام فرمود : خدا امیرالمؤمنین (ع) و ائمه هدی را یکی پس از دیگری ارکان زمین قرار داده است اهلش را احساند . و خود امیرالمؤمنین طسوات اللیه علیه فرمود : من از طرف خدا قسمت کننده بنسبت و دورحم ، من صاحب عطا و مبسم ، مرا بر مسدی مانند مسد محمد صلی الله علیه و آله بنا شده اند و آن مسد خدائی است . . . من مرگ مردم و بلاها و نوزادها و فصل الخطاب را میدانم ، آنچه را پیش از من بگفته اند میدانم و آنچه که نزد من حاضر نیست نیز بر من پوشیده نیست .

(اصول کافی ، کتاب الحجه ،

باب ان الائمهم ارکان الارض)

— حضرت امام صادق علیه السلام فرمود : ما نخستین خاندانی هستیم که خدا ناممان را بلند ساخت . و چون آسمانها و زمین را آفرید به منادی (!) دستور داد تا فریاد زد : گواهی دهم که شایسته پرستش جز خدا نیست . سه بار . و گواهی دهم که محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است . سه بار . و گواهی دهم که علی از روی حق امیر مؤمنان است . سه بار .

(حق الیقین ، در شفاعت

ائمهم در روز قیامت)

— در حدیث معتبر است که حضرت رضا علیه السلام به سماعه فرمود : روز قیامت ملک مقرب یا پیغمبر مرسل یا مؤمنی باقی نمیماند که محتاج به شفاعت پیغمبر

آحرالزمان و فریدان کذائمه معصومین هستند باشد ،
 همحیا که در دنیا اغلب انبیا ، در سحبی و نذب به ستم
 و اهل سنن توسل میبستند ، حیای که در سوسه آدم و بحاب
 نوح از عرفی و ابراهیم از آنتی و موسی از سل و موسی
 ریدان و عراق یوسف و رگربا در طلب اولاد و بحاب موسی
 از فعر دریاها ، همگان به حمسه ضمه و ححب آخر الزمان
 موسل میسند ، واکرا حیایا سحر از آنها حی انبیا
 اولوالعزم راهم و سله شاع عبد رگاه حق قسرار
 ممدادند دعایشان مستحاب نمند .

(حق السفین ، در شعاع)

(ائمه در رور فامس)

— ابوذر غفاری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه
 و آله شنیده بود که شناختن علی علیه السلام به نور است
 کا ملترین مرتبه معرفت است . نزد سلمان فارسی آمد و از
 او در این خصوص پرسش کرد . سلمان گفت که یا یکدیگر
 نزد علی (ع) میرویم و از خود آن حضرت در این باره
 سؤال میکنیم . پس رفتند و پرسیدند ، و امام در جواب
 آن دو فرمودند : البته که شناختن من به نور است
 شناختن خدا است . منم امر الله . من صاحب لروح
 محفوظم . من خاتم اوصیایم . منم که نوح را در کشتی
 به امر خدای خود روان کردم . منم که یونس را از شکم
 ماهی به امر خدا خارج ساختم . منم که موسی را از
 دریای نیل به امر خدا عبور دادم . منم که ابراهیم
 را از آتش به اذن خدا نجات دادم . من محمد و ابراهیم
 و موسی و عیسی هستم و هرگونه بخواهم تغییر شکل میدهم .
 من زنده میکنم و بمیرانم به اذن خدایم ، و به ضامن
 دلها آگاهم ، و اما مان از فرزندان من نیز این علم
 را دارند هرگاه اراده کنند . ما همه محمدیم ، اول ما

محمد ، وسط ما محمد ، آخر ما محمد ، تمامی ما محمدیم .
اگر بخواهیم آسمانها و زمین را میشکافیم و مشرق را به
مغرب و مغرب را به مشرق تبدیل میکنیم . همه چیز حتی
آسمان و زمین و خورشید و ماه از ما اطاعت میکنند .

(سعدی اسی خلف الاشعری ،
صائرا لالوار ، باب امامت و
ولایت ، حدیث سورا نیت)

— در جواب نامه جماعتی ، حضرت امام غائب به خط
خود نوشتند که : ما ائمه ساخته خدائیم و بقیه مخلوقات
ساخته های ما میباشند (و نحن صنائع بنا ، والخلق
بعد صنائعنا) . و چون کلمه " خلق " اعم است ، البته
مراد از " بقیه مخلوقات " همه بشر و جمادات و زمین
و آسمانند .

— در قرآن که میگوید : در قیامت وقتی کافر
سرنوشت خود را میبیند میگوید " لالیتنی کنت ترابا " .
بدین معنی است که کنیه علی " ابوتراب " است و
ابوتراب کسی است که بقاء و سکون زمین بسته به اوست .
و اینکه در قرآن گفته شده است : " خدا را بپرستید
و به او شرک نیاورید و به پدر و مادر نیکوئی کنید " .
مقصود از پدر و مادر در این آیه حضرت محمد و حضرت علی
است . (۱) و هر چند علامه مجلسی در این باره گفته است

که محمد و علی پدر و مادر روحانی بشرند ، ولی بیقین
میتوان گفت که محمد و آل محمد هم پدران روحی و هم
پدران جسمی بشرند ... و پدر اصلی و حقیقی بندگانشند .

(آیه اله بروجردی ، جواهر

الولایه ، نقل از کتاب

تشیع علوی و تشیع صفوی)

۱- در حدیث توضیح دقیق تری درباره والدین داده نشده
است .